

مقاله علمی پژوهشی

فقدان «قانون میانجی‌گری» به عنوان مهم‌ترین خلأ سیاست تقنینی در نظام حل و فصل اختلافات ایران به همراه پیشنهاد قانون الگو به دستگاه قانون‌گذاری

رضا مبعودی نیشابوری^{۱*}، سیدعلیرضا رضایی^۲

۱. استادیار گروه حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۵ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷)

Lack of "Mediation Act" as the Most Important Legislative Policy Gap in Iranian Dispute Resolution System With Proposing a Model Act to the Legislature

Reza Maboudi Neishabouri^{*1}, SeyedAlireza Rezaee²

1. Assistant Professor, Department of Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

2. Ph.D. Student of Private Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

(Received: 25/Jan/2022

Accepted: 16/Apr/2022)

Abstract

Mediation or Conciliation has several advantages comparing with other commercial dispute resolution methods, including speed, cheapness, and countinuing commercial relations between the parties. Unfortunately, this dispute resolution method is not widely used in commercial disputes and individuals and business actors have not been able to profit the benefits of this dispute resolution method. The main reason for this situation is the lack of adequate executive support in Iranian law for the settlement agreement as the result of the mediation and conciliation process. Therefore, in this article, while explaining the benefits of mediation and the need to legislate supportive laws regarding this dispute resolution method, a commercial mediation model act has been proposed to the Iranian legislature, so that future enactment of this law leads to significant progress in Iranian commercial dispute resolution. The following three topics are analyzed in the article: "The benefits of commercial mediation and the need for a special legislative policy to support commercial settlement agreements", "The current legislative policy of the Iranian legal system regarding commercial mediation" and "Proposing a commercial mediation model act to the legislature".

Keywords: Commercial Disputes, Conciliation, Settlement Agreement, Executive Support, Dispute Resolution.

چکیده

میانجی‌گری یا سازش، نسبت به بقیه طرق حل و فصل اختلافات تجاری، دارای مزایای متعددی از جمله سریع بودن، ارزان بودن و حفظ روابط تجاری طرفین است. متأسفانه این طریقه حل اختلاف در دعای تجاری مورد استفاده وسیع قرار نمی‌گیرد و اشخاص و فعالان تجاری تا به حال نتوانسته‌اند از مزایای این طریق حل اختلاف بهره‌مند شوند. دلیل اصلی این عدم استقبال، عدم حمایت اجرایی کافی قوانین ایران از سازش‌نامه به عنوان نتیجه فرایند میانجی‌گری و سازش است. بنابراین، در این مقاله ضمن توضیح مزایای میانجی‌گری و ضرورت تقنین قوانین حمایتی در خصوص این طریقه حل اختلاف، قانون الگوی میانجی‌گری به مقنن ایران پیشنهاد شده است تا با تصویب آتی قانون مذکور، پیشرفت مهمی در زمینه حل و فصل اختلافات تجاری در ایران واقع شود. موضوعات فوق ذیل سه مبحث در این مقاله مورد تحلیل قرار گرفته است: «مزایای میانجی‌گری تجاری و ضرورت وجود سیاست تقنینی ویژه جهت حمایت از سازش‌نامه‌های تجاری»، «سیاست تقنینی کنونی نظام حقوقی ایران در خصوص میانجی‌گری تجاری» و «پیشنهاد قانون الگوی میانجی‌گری به دستگاه قانون‌گذاری».

کلیدواژه‌ها: دعای تجاری، سازش، سازش‌نامه، حمایت اجرایی، حل و فصل اختلافات.

مقدمه

مزایای میانجی‌گری تجاری و ضرورت وجود سیاست

تقنینی ویژه جهت حمایت از سازش‌نامه‌های تجاری

میانجی‌گری یا سازش را می‌توان در کنار داوری و دادرسی از اصلی‌ترین طرق حل اختلافات تجاری تلقی کرد. در عین حال، میانجی‌گری در مقایسه با داوری و دادرسی، هیچگاه نتوانسته جایگاه قابل قبولی را از حیث حجم دعاوی حل و فصل شده از طریق این روش حل اختلاف به خود اختصاص دهد. مهم‌ترین علت وضعیت مذکور، عدم حمایت اجرایی از سازش‌نامه به عنوان ماحصل فرایند میانجی‌گری یا سازش است. بدین توضیح که در پایان فرایند داوری و دادرسی، رأی صادره از طریق مراجع قضایی حمایت اجرایی می‌شود و با توجه به اجرائیه تنظیمی وفق مفاد رأی مذکور، این رأی واجد وصف لازم‌الاجرا است. در مقابل در صورت تنظیم سازش‌نامه، از سند حل اختلاف مذکور حمایت اجرایی نمی‌شود و جز در موارد استثنائی، امکان اجرای اجباری سازش‌نامه وجود ندارد؛ زیرا این سند حل اختلاف تنها ارزش یک قرارداد را دارد و باید وفق آن اقامه دعوی مجددی شود و تنها با توسل به سایر طرق حل اختلاف (داوری و دادرسی) امکان اجرای سازش‌نامه فراهم می‌شود. این وضعیت باعث عدم ترویج میانجی‌گری یا سازش، در میان فعالان تجاری شده و اشخاص مذکور و سیستم قضایی کشور را از مزیت‌های متعدد این روش حل اختلاف محروم کرده است. بنابراین، در این مقاله تلاش شده است که با بررسی قوانین و مقررات موجود در سطح بین‌المللی و با لحاظ قواعد قانونی داخلی، قانون الگوی میانجی‌گری را به مراجع تصمیم‌گیری ایران پیشنهاد دهیم تا با تصویب قانون مذکور گام مهمی در راستای توسعه میانجی‌گری و تحول نظام کلی حل و فصل اختلافات تجاری در حقوق ایران برداشته شود. همان‌طور که در متن مقاله نیز توضیح داده شده است، به‌رغم وجود تفاوت‌های جزئی حقوقی میان سازش یا میانجی‌گری، به دلیل تلاش برای ارائه قانونی جامع، در این پژوهش دو اصطلاح مذکور به یک معنا گرفته شده است و تفاوتی نمی‌کند. طرفین دعوا با دخالت یا بدون دخالت میانجی به سازش رسیده باشند و حتی سازش‌نامه صادره میان طرفین بدون طی کردن فرایند میانجی‌گری نیز مشمول قانون الگوی میانجی‌گری می‌شود.

به‌رغم وجود مزایای مذکور، عدم حمایت اجرایی از سازش‌نامه به عنوان نتیجه فرایند میانجی‌گری، باعث عدم ترویج مناسب این روش حل اختلاف شده است. (Serbenko, 2012: 70; Chua, 2015: 3; Quek Anderson, 2019: 3; Dilyara, 2019: 35) در حال حاضر در حقوق ایران، سازش‌نامه به تنهایی ارزش واقعی یک سند حل اختلاف را ندارد؛ زیرا دادگاه مخاطب درخواست اجرای سازش‌نامه، نتیجه حاصله را مورد بازنگری ماهوی قرار می‌دهد و به رسیدگی اختصاری کفایت نمی‌کند. (جنیدی، ۱۳۹۲: ۳۳) در چنین وضعیتی هیچ توجیه منطقی یا حقوقی، جهت استفاده از روش سازش برای طرفین دعوا وجود ندارد؛ زیرا طرفین دعوا پس از طی کردن فرایند میانجی‌گری، به دلیل لزوم توسل به طرق دیگر حل اختلاف جهت اجرای سازش‌نامه، هنوز در ابتدای مسیر هستند (Vanišová, 2019: 5; Deason, 2005: 585) و به همین دلیل طرفین دعوا ترجیح می‌دهند به جای

میانجی‌گری یا سازش را می‌توان در کنار داوری و دادرسی از اصلی‌ترین طرق حل اختلافات تجاری تلقی کرد. در عین حال، میانجی‌گری در مقایسه با داوری و دادرسی، هیچگاه نتوانسته جایگاه قابل قبولی را از حیث حجم دعاوی حل و فصل شده از طریق این روش حل اختلاف به خود اختصاص دهد. مهم‌ترین علت وضعیت مذکور، عدم حمایت اجرایی از سازش‌نامه به عنوان ماحصل فرایند میانجی‌گری یا سازش است. بدین توضیح که در پایان فرایند داوری و دادرسی، رأی صادره از طریق مراجع قضایی حمایت اجرایی می‌شود و با توجه به اجرائیه تنظیمی وفق مفاد رأی مذکور، این رأی واجد وصف لازم‌الاجرا است. در مقابل در صورت تنظیم سازش‌نامه، از سند حل اختلاف مذکور حمایت اجرایی نمی‌شود و جز در موارد استثنائی، امکان اجرای اجباری سازش‌نامه وجود ندارد؛ زیرا این سند حل اختلاف تنها ارزش یک قرارداد را دارد و باید وفق آن اقامه دعوی مجددی شود و تنها با توسل به سایر طرق حل اختلاف (داوری و دادرسی) امکان اجرای سازش‌نامه فراهم می‌شود. این وضعیت باعث عدم ترویج میانجی‌گری یا سازش، در میان فعالان تجاری شده و اشخاص مذکور و سیستم قضایی کشور را از مزیت‌های متعدد این روش حل اختلاف محروم کرده است. بنابراین، در این مقاله تلاش شده است که با بررسی قوانین و مقررات موجود در سطح بین‌المللی و با لحاظ قواعد قانونی داخلی، قانون الگوی میانجی‌گری را به مراجع تصمیم‌گیری ایران پیشنهاد دهیم تا با تصویب قانون مذکور گام مهمی در راستای توسعه میانجی‌گری و تحول نظام کلی حل و فصل اختلافات تجاری در حقوق ایران برداشته شود. همان‌طور که در متن مقاله نیز توضیح داده شده است، به‌رغم وجود تفاوت‌های جزئی حقوقی میان سازش یا میانجی‌گری، به دلیل تلاش برای ارائه قانونی جامع، در این پژوهش دو اصطلاح مذکور به یک معنا گرفته شده است و تفاوتی نمی‌کند. طرفین دعوا با دخالت یا بدون دخالت میانجی به سازش رسیده باشند و حتی سازش‌نامه صادره میان طرفین بدون طی کردن فرایند میانجی‌گری نیز مشمول قانون الگوی میانجی‌گری می‌شود.

موضوعات فوق در ادامه، در سه محث مورد بررسی و مذاقه قرار خواهد گرفت: «مزایای میانجی‌گری تجاری و ضرورت وجود سیاست تقنینی ویژه جهت حمایت از سازش‌نامه‌های تجاری»، «سیاست تقنینی کنونی نظام حقوقی ایران در خصوص میانجی‌گری تجاری» و «پیشنهاد قانون الگوی میانجی‌گری به دستگاه قانون‌گذاری».

امضای کنوانسیون سازش‌نامه‌های بین‌المللی حاصل از میانجی‌گری ۲۰۱۹، بیانگر استقبال از ترویج میانجی‌گری در حل و فصل اختلافات است، اما وضعیت کنونی قواعد نظام حقوقی ایران، به هیچ عنوان باعث تحقق هدف اخیرالذکر نمی‌شود و این مسئله ضرورت تصویب قانونی خاص در مورد میانجی‌گری تجاری را آشکار می‌سازد. بنابراین، در این بخش از پژوهش حاضر به طور مختصر، وضعیت کنونی مقررات نظام حقوقی ایران در خصوص میانجی‌گری ذیل دو مبحث «وضعیت کنونی سازش‌نامه‌های تجاری داخلی در حقوق ایران» و «وضعیت کنونی سازش‌نامه‌های تجاری خارجی در حقوق ایران» مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. وضعیت کنونی سازش‌نامه‌های تجاری داخلی در حقوق ایران

در صورت تنظیم سازش‌نامه داخلی در ایران، سند حل اختلاف مذکور جز در موارد خاص، فاقد وصف لازم‌الاجرا است و طرفین دعوا مجبورند جهت اجرای سازش‌نامه مثل یک قرارداد، درخواست ایفای تعهدات مندرج در سازش‌نامه را از دادگاه نمایند تا در صورت صدور رأی دادگاه، با استفاده از رأی مذکور بتوانند سازش‌نامه را اجرا کرده و طرف مقابل را به اجرای مفاد آن ملزم نمایند. چنین وضعیتی با توجه به آنچه سابقاً عنوان شد، به هیچ عنوان مطلوب نیست و نمی‌توان انتظار ترغیب اشخاص و فعالان تجاری را به استفاده از روش میانجی‌گری در چنین وضعیتی داشت. علاوه بر عدم حمایت اجرایی از سازش‌نامه عادی در مقررات حقوق مدنی و آیین دادرسی، فقدان حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌ها در آیین‌نامه میانجی‌گری کیفری مصوب ۱۳۹۵، سند تحول قضایی (راهکارهای شماره ۱، ۲ و ۳ از چالش ۲ از مأموریت اول)، مفاد مقررات مربوط به شورای حل اختلاف (مواد ۸ و ۲۵ قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴ و ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴) نیز قابل مشاهده است.

در اکثر موارد سازش‌نامه، فاقد حمایت اجرایی است، اما در سه فرض استثنائی در مقررات حقوق ایران، سازش‌نامه از حمایت اجرایی برخوردار است: سازش‌نامه تنظیمی نزد دادگاه، سازش‌نامه تنظیمی نزد داور و سازش‌نامه تنظیمی نزد سردفتر

صرف هزینه و زمان در میانجی‌گری، همان ابتدا از روشی استفاده کنند که نتیجه طریقه حل اختلاف مذکور، نهایی و لازم‌الاجرا باشد. (Schnabel, 2019(A): 2)

باید توجه داشت که بهره‌مندی از مزایای سازش یا میانجی‌گری تنها زمانی میسر است که سازش‌نامه همانند آرای دوری و قضایی، واجد وصف لازم‌الاجرا بوده و به طور مستقیم توسط دادگاه‌ها اجرا شود. (Hioureas, 2019: 65) بدین توضیح که در صورت فقدان وجود وصف لازم‌الاجرا برای نتیجه فرایند میانجی‌گری و لزوم مراجعه به سایر طرق حل اختلاف جهت اجرای سازش‌نامه، مزایای سازش منتفی شده و با توجه به لزوم طی شدن طرق توافقی حل اختلاف مذکور، نمی‌تواند در حفظ روابط تجاری طرفین مؤثر باشد. (Lo, 2014: 124;) همچنین به دلیل لزوم اقامه دعوی مجدد پس از تنظیم سازش‌نامه، میانجی‌گری نمی‌تواند باعث کاهش پرونده‌ها و حل مشکل اطاله دادرسی شود.

در تحقیقات و بررسی‌های متعدد، لزوم حمایت اجرایی از سازش‌نامه به عنوان نتیجه فرایند میانجی‌گری، مهم‌ترین عامل ترغیب فعالان تجاری در استفاده از این روش حل اختلاف عنوان گردیده است. ۷۴ درصد از پاسخ‌دهندگان در گزارش آنسیترال، ۹۳ درصد از وکلا و مدیران تجاری در تحقیق مؤسسه بین‌المللی سازش^۱ و ۶۴ درصد از فعالان حقوقی در امور تجاری طی تحقیقی در سنگاپور معتقد بودند که در صورت وجود حمایت اجرایی از سازش‌نامه‌ها، میانجی‌گری بهترین روش برای حل و فصل اختلافات است. (Strong, 2014: 45; Chua, 2019(A): 573-574; Sussman, 2018: 45; Freehills, 2018: 1) لذا به نظر می‌رسد که باید سازش‌نامه‌ها را از یک قرارداد خصوصی به ابزاری لازم‌الاجرا تبدیل کرد.

سیاست تقنینی کنونی نظام حقوقی ایران در خصوص میانجی‌گری تجاری

رویکرد کلی نظام حقوقی ایران با توجه به قواعد مذکور در سند تحول قضایی مصوب ۱۳۹۹ (راهکارهای شماره ۱، ۲ و ۳ از چالش ۲ از مأموریت اول)، مفاد مقررات مربوط به شورای حل اختلاف، آیین‌نامه میانجی‌گری کیفری مصوب ۱۳۹۵ و نیز

2. United Nations Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation 2019

از این پس «کنوانسیون سازش».

1. International Mediation Institute

ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷، صرفاً سازش‌نامه مذکور در دادگاه‌های ایران مورد پذیرش قرار می‌گیرد و فاقد وصف لازم‌الاجرا است و دادگاه‌ها تکلیفی به اجرای مستقیم آن ندارند. نامتقارن بودن وضعیت نظام حقوقی ایران در خصوص میانجی‌گری تاحدی است که سازش‌نامه عادی خارجی (در صورت وجود تمام قیود هشت‌گانه مذکور در ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی با عطف به ماده ۱۷۷ قانون مذکور)، از حمایت اجرایی برخوردار است، اما سازش‌نامه عادی داخلی فاقد وصف لازم‌الاجرا می‌باشد. در نتیجه وضعیت تقنینی حقوق ایران در این خصوص به هیچ عنوان وضعیت مناسبی ندارد؛ زیرا با توجه به مراتب فوق‌الذکر در مقررات قانونی ایران، نسبت به سازش‌نامه‌های داخلی، از سازش‌نامه‌های تنظیمی نزد برخی کشورهای خارجی، حمایت بیشتری به عمل آورده شده است.

پیشنهاد قانون‌الگوی میانجی‌گری به دستگاه قانون‌گذاری

با توجه به توضیحات فوق مشخص شد که حمایت از سازش‌نامه به عنوان نتیجه فرایند میانجی‌گری یک ضرورت مهم در هر نظام حقوقی است و وضعیت کنونی نظام حقوقی ایران به هیچ عنوان نمی‌تواند باعث ترویج این روش حل اختلاف شود. بنابراین، به جهت نوآوری و ارائه راه‌حل به مقنن ایرانی، در ادامه متن قانون پیشنهادی توسط نگارندگان این پژوهش ارائه می‌شود. در تنظیم قانون‌الگوی زیر، از مقررات مواد ۱۷۸ تا ۱۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۱۸۱، ۱۸۴، ۴۸۳ و ۴۸۸ قانون مذکور، مواد ۱۶۹ و ۱۷۷ قانون اجرای احکام مدنی، ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی، کنوانسیون سازش، قانون نمونه سازش تجاری بین‌المللی آنسیترال ۲۰۰۲ و قانون نمونه آنسیترال در زمینه سازش تجاری بین‌المللی و سازش‌نامه‌های بین‌المللی ناشی از فرایند میانجی‌گری مصوب ۲۰۱۸^۲ استفاده شده است.

قانون‌الگوی میانجی‌گری

ماده ۱: قلمرو اجرای قانون و تعاریف

۱. در این قانون سازش به معنای یک فرایند است که از

اسناد رسمی. وفق ماده ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، در صورت وقوع سازش در دادگاه، نهاد مذکور گزارش اصلاحی را صادر کرده و در گزارش اصلاحی مزبور مسائل مورد توافق طرفین و تعهدات آنها را ذکر کرده و ختم دعوا با سازش اعلام می‌گردد و سازش‌نامه مانند احکام دادگاه‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود. همچنین به موجب ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی مدنی و با لحاظ ماده ۴۸۸ همان قانون، سازش‌نامه مذکور در رأی داور نیز از حمایت اجرایی برخوردار است و مثل رأی داور، اجرا خواهد شد. به علاوه در صورت تنظیم سازش‌نامه نزد دفتر اسناد رسمی، طبق ماده ۱۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی، سازش‌نامه مذکور از حمایت اجرایی برخوردار خواهد بود و اجرای سازش‌نامه در این صورت تابع مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا می‌باشد.

۲. وضعیت کنونی سازش‌نامه‌های تجاری خارجی در حقوق ایران

ممکن است طرفین سازش‌نامه که دارای تابعیت و اقامتگاه متفاوت هستند، خواستار صدور اجرائیه بر اساس چنین سازش‌نامه‌ای در دادگاه‌های ایران باشند. موضع حقوق ایران در این خصوص شایسته بررسی است. ایران، کنوانسیون سازش که در خصوص اجرای سازش‌نامه‌های تجاری بین‌المللی است، امضا نموده است، اما مقررات معاهده مذکور را تا زمان الحاق نهایی ایران به آن (تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان)، نمی‌توان جزو مقررات نظام حقوقی ایران محسوب نمود. البته امضای معاهده مذکور فاقد هرگونه تأثیر نبوده و مقنن نمی‌تواند مقرراتی دارای تعارض آشکار با قواعد کنوانسیون وضع نماید.

سازش‌نامه‌های تنظیمی خارجی نزد داور وفق مفاد ماده ۲۸ قانون داور تجاری بین‌المللی از وصف لازم‌الاجرا برخوردار است؛ زیرا ماده مذکور سازش‌نامه مزبور را رأی داور تلقی کرده و همانند رأی داور اجرا می‌شود.

در مورد سازش‌نامه‌های خارجی عادی، تنظیمی نزد دادگاه و تنظیمی نزد دفتر اسناد رسمی مقرراتی واحد حکم‌فرما است. با بررسی مقررات قانون مدنی و قانون اجرای احکام مدنی، به این نتیجه می‌رسیم که اگر سازش‌نامه خارجی مذکور، در کشور مبدأ لازم‌الاجرا باشد، دادگاه‌های ایرانی مطابق مقررات ماده ۱۷۷ و ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶، (در صورت وجود قیود هشت‌گانه مذکور در ماده ۱۶۹ قانون مذکور)، از سازش‌نامه حمایت اجرایی خواهند کرد. در مقابل اگر گزارش اصلاحی در کشور مبدأ، لازم‌الاجرا نباشد، در صورت وجود شرایط

1. Uncitral Model Law on International Commercial Conciliation 2002. از این پس: قانون نمونه ۲۰۰۲.

2. UNCITRAL Model Law on International Commercial Mediation and International Settlement Agreements Resulting from Mediation 2018. از این پس: قانون نمونه ۲۰۱۸.

تفاوتی نمی‌کند عنوان روش حل اختلاف، سازش یا میانجی‌گری یا صلح ذکر شود؛ زیرا به‌رغم اعتقاد برخی نویسندگان (D'Ambrumenil, 1997: 53; Abramson, 2019: 370; Sim, 2019: 672; Redfern; Hunter, 2009: 46) این اصطلاحات تمایزات آشکاری ندارند، ولی رویه مقررات بین‌المللی در کنوانسیون سازش و قانون نمونه ۲۰۱۸، تمایل به یکسان تلقی کردن این اصطلاحات نشان داده‌اند. در حقوق ایران در نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه به شماره ۷/۹۴/۵۴۹ مورخ ۱۳۹۴/۳/۲ میانجی‌گری و صلح (سازش)، به یک معنا گرفته شده است و صراحتاً بیان شده که صلح و سازش ممکن است نتیجه میانجی‌گری باشد یا از هر طریق دیگری حاصل شود. (معبودی؛ رضائی، ۱۳۹۹ الف: ۷۸۵-۷۸۶) لذا جهت اعمال این قانون نیازی نیست سازش‌نامه حتماً با دخالت میانجی منعقد شده باشد و اگر طرفین دعوا به تنهایی و با مذاکرات دو طرفه (بدون دخالت میانجی) نیز به سازش برسند، مقررات این قانون بر سازش‌نامه تنظیمی اعمال می‌گردد. بدیهی است در فرض اخیرالذکر، مقررات این قانون در خصوص میانجی در مورد سازش‌نامه تنظیمی، موضوعیت ندارد.

با توجه به وجود قواعد آمره و حساسیت بیشتر مقنن نسبت به مسائل غیرتجاری، حوزه اعمال این قانون به سازش‌نامه‌های تجاری محدود شده، اما در بند ۳ ماده ۱، مفهوم موسعی از شرط تجاری بودن سازش‌نامه اتخاذ شده است. علت ضرورت تصریح به مطلب مذکور آن است که مفهوم تجاری در قوانین ایران همیشه دارای ابهاماتی بوده است؛ زیرا یک سو با رویکرد موسع بند ۱ ماده ۲ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران مصوب ۱۳۷۶ و از دیگر سو، با رویکرد مضیق ماده ۲ قانون تجارت ۱۳۱۱ روبه‌رو هستیم. با توجه به نزدیکی سازش تجاری به قانون داوری تجاری بین‌المللی، به نظر می‌رسد اتخاذ رویکرد موسع با ادبیات قانونی ایران هماهنگ‌تر است.

در بند ۵ ماده ۱، امکان توافق طرفین مبنی بر عدم اعمال مقررات این قانون بر سازش‌نامه تنظیمی فیما بین پیش‌بینی شده است. در واقع امکان اتخاذ دو نوع رویکرد در این خصوص وجود داشت: اعمال قانون به صورت پیش فرض مگر در فرض توافق طرفین بر خلاف آن^۱ یا منوط کردن کلی اعمال قانون به توافق طرفین سازش‌نامه^۲. به نظر می‌رسد

طریق آن، دعوا به میانجی‌گری، مصالحه، سازش یا عناوین مشابه ارجاع شده باشد که به موجب آن طرفین اختلاف از طریق شخص یا اشخاص ثالث (میانجی) یا بدون ایشان تلاش می‌کنند تا به یک راه‌حل دوستانه برای دعوایی که ناشی یا خارج از یک رابطه تجاری، قراردادی یا حقوقی است نائل شوند. تفاوتی نمی‌کند عنوان روش حل اختلاف، سازش یا میانجی‌گری یا صلح ذکر شود. میانجی (در صورت وجود) صلاحیت تحمیل راه‌حل منازعه را بر طرفین اختلاف ندارد.

۲. این قانون بر فرایند سازش تجاری داخلی و بین‌المللی اعمال می‌گردد.

۳. این قانون فقط بر سازش‌نامه‌های تجاری اعمال می‌گردد. عبارت تجاری باید به نحو وسیعی تفسیر شود، به طوری که بتواند کلیه روابط تجاری اعم از قراردادی و غیر قراردادی را پوشش دهد. این روابط تجاری، از جمله، شامل هر گونه معامله تجاری جهت عرضه یا مبادله کالا یا خدمات، قراردادهای توزیع، نمایندگی یا عاملیت تجاری، وصول مطالبات و تنزیل، اجاره به شرط تملیک، کارهای ساختمانی، مشاوره، مهندسی، اعطای مجوز بهره‌برداری، سرمایه‌گذاری، تأمین مالی، بانکداری، قراردادهای بیمه و امتیازی، مشارکت در تولید و یا انواع دیگر همکاری‌های تجاری، کاری یا صنعت و حمل کالا یا مسافر از طریق هوا، دریا، راه‌آهن و یا جاده است. مصادیق فوق‌الذکر، فقط دارای ارزش تمثیلی است.

۴. در این قانون، استفاده از الفاظ مفرد، دارای مفهوم مخالف نبوده و شامل فرض جمع نیز می‌گردد و عکس قاعده مذکور نیز صادق است.

۵. طرفین مجاز هستند تا نسبت به مستثنی کردن اجرای احکام این قانون یا بخشی از مواد آن توافق نمایند.

۶. در اجرای این قانون، تفاوتی ندارد که مبنای سازش، توافق‌نامه طرفین اختلاف قبل یا بعد اختلاف، اجبار ناشی از قانون یا دستور یا پیشنهاد دادگاه، نهاد داوری یا مقام ذی‌صلاح دولتی باشد.

۷. در این قانون، هر کجا مقرراتی در خصوص میانجی وضع شده، منصرف از فرضی است که طرفین مستقیماً و بدون دخالت میانجی، فرایند سازش را طی می‌کنند و مقررات مذکور، صرفاً معطوف به فرضی است که از خدمات میانجی استفاده شده و به معنای الزامی بودن استفاده از میانجی نمی‌باشد.

در بند ۱ ماده ۱، قلمرو و تعریف قانون به صورت موسع عنوان شده است تا اکثر سازش‌نامه‌ها ذیل حمایت این قانون قرار گیرند. همچنین در مقرر مذکور، صراحتاً عنوان شده که

دادگاه‌ها، از طریق اجرای احکام مدنی، بر اساس قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و نیز قانون اجرای احکام مدنی، بدون هر گونه رسیدگی قضایی به ماهیت دعوا، مستقیماً به اجرا می‌گذارند.

همان‌طور که در بخش قبل بیان شد، مهم‌ترین ضعف قوانین موجود نظام حقوقی ایران در خصوص سازش یا میانجی‌گری، ضعف حمایت از سازش‌نامه به عنوان نتیجه این فرایند حل اختلاف است. در ماده ۲، به عنوان مهم‌ترین مقرر قانون حاضر، با اعطای دو اثر اصلی به سازش‌نامه، نقیصه مذکور مرتفع شده است.

در بند ۱ ماده ۲، امکان قابلیت استناد به سازش‌نامه در صورت اقامه دعوی مجدد پیش‌بینی شده است. لذا در صورتی که، با وجود انعقاد سازش‌نامه توسط طرفین، یکی از ایشان، همان دعوا را نزد مرجعی دیگر مطرح نماید، طرف مقابل می‌تواند با استناد به سازش‌نامه منعقدۀ اثبات کند که این دعوا مشمول اعتبار امر قضاوت‌شده بوده و سابقاً به آن رسیدگی شده است. بنابراین در این حالت، سازش‌نامه فقط یک مدرک یا دلیل نیست و فی‌الواقع دفاعی کامل است که نشان می‌دهد که این دعوا سابقاً (از طریق میانجی‌گری یا سازش) حل و فصل شده است. این اثر سازش‌نامه را می‌توان «شناسایی سازش‌نامه» نامید یا وفق نظر برخی نویسندگان (Chong; Steffek, 2019: 465; Quek Anderson, 2017: 101; Morris-Sharma, 2019: 502) آن را مساوی قاعده اعتبار امر مختوم دانست. در مجموع این اثر سازش‌نامه، بدین معنا است که دادگاه سازش‌نامه را دارای تأثیر و ارزشی یکسان با آرای دادگاه‌ها تلقی نماید و از این طریق از طرح مجدد دعوی مشابه با موضوعات تصمیم‌گیری شده در سازش‌نامه، جلوگیری شود. (جنیدی، ۱۳۹۵: ۹۰؛ حبیبی منجده، ۱۳۹۱: ۶۸۹؛ همتی کلوانی، ۱۳۸۸: ۹۰؛ Redfren; Hunter, 2009: 449) اگر سازش‌نامه فاقد چنین اثری باشد، طرف اجراکننده تعهدات مذکور در سازش‌نامه، نمی‌تواند در خصوص عدم طرح مجدد دعوا و اجرای سازش‌نامه، یقین حاصل کند؛ زیرا طرف دیگر می‌تواند با طرح دعوا در مراجع قضایی، از اجرای سازش‌نامه جلوگیری کند و در چنین وضعیتی هیچ‌گاه اشخاص و فعالان تجاری تمایلی به استفاده از این روش حل اختلاف نخواهند داشت. Schnabel, 2019 (B): 1193-1195; Schnabel, (2019 (A): 36; Boulet, 2019: 1228

تنظیم این بند وفق رویکرد اول منطقی‌تر باشد و این قانون به صورت خودکار بر سازش‌نامه‌ها اعمال می‌شود، مگر اینکه طرفین دعوا بر عدم اعمال آن بر سازش‌نامه توافق نمایند. علت اتخاذ رویکرد فوق در این است که توقع توافق بر اعمال این قانون بر سازش‌نامه در مراحل پایانی فرایند میانجی‌گری منطقی نیست و حتی عدم حصول توافق طرفین بر این موضوع، شاید باعث از بین رفتن سایر توافقات قبلی گردد؛ زیرا عموماً درخواست اضافه کردن موضوعات جدید به متن سازش‌نامه، می‌تواند منشأ ایجاد اختلاف میان طرفین دعوا شود. همچنین تنها با اعمال خودکار این قانون بر سازش‌نامه‌ها، مقرر مذکور می‌تواند باعث ترویج میانجی‌گری و انتفاع سیستم قضایی و طرفین دعوا از این روش حل اختلاف شود. (Apter; Muchnik, 2019: 1278-1279)

به‌رغم مطلوب بودن اجرای خودکار این قانون بر سازش‌نامه‌ها، باید این حق به طرفین دعوا داده شود که از اعمال مقررات این قانون جلوگیری کنند؛ زیرا هدف اصلی سازش یا میانجی‌گری، اهدای قدرت انتخاب تصمیم‌گیری در خصوص اختلاف فی‌مابین به طرفین دعوا و حمایت از آزادی کامل اراده طرفین است و نباید موضوعی بدون توافق طرفین بر آن، به آنها تحمیل شود (Herisi; Trachte-Huber, 2019: 167-168; Sussman, 2018: 49; Stipanowich; Fraser, 2017: 842) و اجرای قهری سازش‌نامه وفق این قانون، می‌تواند باعث زیر سؤال رفتن ماهیت توافقی سازش یا میانجی‌گری شود. (Morris-Sharma, 2019: 508; Rosner, 2019: 1263)

ماده ۲: اثر سازش

۱. چنانچه در خصوص موضوعی که یکی از طرفین مدعی حل قبلی آن توسط سازش‌نامه است، اختلافی بروز نماید، طرف مزبور می‌تواند بر اساس مقررات آیین دادرسی مدنی و مطابق شرایط مطروحه در این قانون به سازش‌نامه مزبور استناد نماید تا اثبات کند که موضوع مورد نظر، سابقاً حل و فصل شده است. در این صورت، اثبات موضوع فوق‌الذکر، اثر اعتبار امر مختوم داشته و دعوی مطروحه منجر به صدور قرار رد دعوا خواهد شد.

۲. در صورتی که طرفین، سازش‌نامه‌ای منعقد نمایند، سازش‌نامه مزبور، لازم‌الاجرا است و دادگاه‌ها در صورت فقدان موانع مذکور در ماده ۱۳ همین قانون و وجود سایر ضوابط مندرج در این مقررات، مفاد سازش‌نامه را همانند احکام

مسکوت گذارده شده باشد، وجود یک میانجی کفایت می‌کند مگر اینکه طرفین بر تعداد بیشتری توافق کنند. در صورتی که میانجی یا میانجیان یا فرایند تعیین ایشان، قبل از بروز اختلاف تعیین نشده باشند، طرفین باید تلاش نمایند تا در مورد تعیین ایشان به توافق برسند، در غیر این صورت دادگاه، میانجی یا میانجیان را تعیین می‌کند.

۲. در فرضی که دادگاه یا شخص حقیقی یا حقوقی خاصی به عنوان مرجع تعیین میانجی عمل می‌کند، باید ملاحظاتی از قبیل استقلال، بی‌طرفی و تابعیت ثالث میانجی (در فرض تفاوت تابعیت طرفین) را مد نظر داشته باشد.

۳. زمانی که یک شخص محتمل است تا به عنوان میانجی انتخاب شود، باید تمام اوضاع و احوالی را که باعث تردیدهای موجهی در خصوص بی‌طرفی و استقلال وی می‌شود، به طرفین اعلام نماید. چنانچه اوضاع و احوال مزبور، بعداً و در فرایند میانجی‌گری بروز نماید، میانجی باید بدون تاخیر، اوضاع و احوال موردنظر را برای طرفین اختلاف واضح سازد مگر این که ایشان قبلاً مطلع شده باشند.

در مورد عبارت آخر بند ۱ ماده ۴ باید بیان داشت که فرض بر این است که طرفین بر انتخاب یک یا چند میانجی توافق نمایند، اما در برخی موارد ممکن است که چنین توافقی حاصل نشود و دادگاه باید میانجی را انتخاب کند. ممکن است این ایراد مطرح شود که با توجه به ذات توافقی میانجی‌گری و این حقیقت که طرفین دعوا تعیین‌کننده نتیجه حل اختلاف هستند و نه میانجی، در صورت عدم توافق طرفین بر تعیین میانجی، احتمال توافق آنها بر حل و فصل دعوا با دخالت میانجی تعیین شده توسط دادگاه‌ها بسیار اندک است و لذا بهتر است در صورت عدم امکان توافق طرفین بر تعیین میانجی، فرایند میانجی‌گری ادامه پیدا نکند و به سایر طرق حل اختلاف توسل شود. در پاسخ به ایراد مذکور باید بیان داشت که احتمال به توافق رسیدن طرفین حل اختلاف بعد از دخالت میانجی تعیین شده توسط دادگاه همیشه وجود دارد. به هر حال میانجی با ارائه اطلاعات، بیان نقاط ضعف و قوت استدلال‌ها و انجام مذاکرات می‌تواند مواضع طرفین را به یکدیگر نزدیک سازد و آنها را متمایل به تنظیم سازش‌نامه نماید.

ماده ۵: مدیریت فرایند سازش

۱. در صورتی که طرفین در مورد نحوه مدیریت فرایند سازش به توافق نرسند، میانجی می‌تواند با توجه به شرایط پرونده، اراده طرفین اختلاف و نیاز به تسریع حل اختلاف، جریان

در بند ۲ ماده ۲، حمایت اجرایی از سازش‌نامه و اجرای مستقیم آن توسط دادگاه وفق مندرجات این سند حل اختلاف پیش‌بینی شده است. مقرر مذکور باعث می‌شود که سازش‌نامه به صورت مستقیم توسط دادگاه‌ها اجرا شود و دیگر طرفین دعوا برای اجرای سازش‌نامه مجبور به توسل به طرقی مثل داوری یا دادرسی نخواهند بود.

ماده ۳: شروع فرایند سازش

۱. فرایند سازش در ارتباط با دعوا از زمانی آغاز می‌شود که طرفین اختلاف توافق می‌کنند تا وارد فرایند سازش گردند.

۲. اگر شخص ارسال‌کننده دعوت‌نامه برای سازش طی ۳۰ روز از تاریخ ارسال دعوت‌نامه یا دوره زمانی دیگری که در دعوت‌نامه مشخص شده است، قبول دعوت‌نامه را دریافت ننماید، می‌تواند آن را رد دعوت‌نامه تلقی کند. در این صورت، الزام قراردادی طی کردن فرایند سازش از بین می‌رود.

علت ذکر عبارت آخر بند ۲ ماده ۲ در این است که در بسیاری از قراردادهای شرط حل اختلاف به صورت چند مرحله‌ای تنظیم می‌شود. بدین صورت که طرفین در صورت بروز اختلاف ابتدا جهت حصول سازش، تلاش نمایند و در صورت عدم حصول سازش، به داوری یا دادرسی یا سایر طرق حل اختلاف مراجعه نمایند. در این صورت، بر فرض مراجعه مستقیم طرفین به داوری یا دادرسی، ممکن است به جهت طی نکردن فرایند سازش و نقض شرط حل اختلاف، دعوای ایشان در مراجع مذکور رد شود. از طرفی با توجه به ماهیت توافقی سازش یا میانجی‌گری، ممکن است یکی از طرفین دعوا از مشارکت در این طریقه حل اختلاف خودداری کند و طرف مقابل در وضعیت نامناسبی قرار گیرد؛ زیرا از یک سو به دلیل عدم همکاری طرف مقابل نمی‌تواند فرایند سازش را طی کند و از طرفی در صورت رجوع به داوری یا دادرسی ممکن است دعوای وی به دلیل عدم رعایت تشریفات شرط حل اختلاف، منجر به رد شود. بنابراین، در مقرر مذکور، جهت جلوگیری از بروز وضعیت مزبور، پیش‌بینی شده است که در صورت عدم پاسخگویی طرف مقابل به دعوت‌نامه جهت برگزاری جلسه سازش ظرف ۳۰ روز، طرف دیگر می‌تواند به سایر طرق حل اختلاف رجوع کند و الزام قراردادی طی کردن فرایند سازش از وی ساقط می‌گردد.

ماده ۴: تعداد میانجیان احتمالی و روش تعیین آنها

۱. چنانچه توافق‌نامه اولیه حل اختلاف، حکایت از لزوم دخالت میانجی داشته و تعداد و هویت میانجی یا میانجیان

سازش را به روشی که صلاح می‌داند، مدیریت نماید.

۲. وی باید رفتار عادلانه با طرفین اختلاف داشته باشد و به اوضاع و احوال پرونده توجه کند.

۳. وی می‌تواند در هر مرحله از سازش، پیشنهادهایی برای حل اختلاف داشته باشد. سازش‌نامه تنها با توافق طرفین منعقد می‌شود و میانجی هیچ مسئولیتی بابت پیشنهادهای ارائه شده ندارد، مگر اینکه تقلب یا تدلیس موثری احراز شود.

به‌رغم نقش اساسی اراده طرفین در تنظیم سازش‌نامه و حل و فصل اختلاف، میانجی نیز با پیشنهادهای و مذاکراتی که با طرفین دعوا دارد، می‌تواند در تصمیم‌نهایی مؤثر واقع شود. با اینکه میانجی همانند داور یا قاضی با صدور رأی، نتیجه دعوا را مشخص نمی‌کند، اما نمی‌توان تأثیر وی را نادیده گرفت. لذا با توجه به تعیین نتیجه حل اختلاف توسط خود طرفین دعوا، اصولاً میانجی در خصوص اقدامات خود در فرایند میانجی‌گری مسئولیتی ندارد (اصل عدم مسئولیت میانجی)، اما با توجه به اینکه فرض تأثیر میانجی در نتیجه حل اختلاف منتفی نیست، در صورت اثبات ارتکاب تدلیس و تقلب توسط میانجی، وی از این حیث واجد مسئولیت است.

ماده ۶: ارتباط بین میانجی و طرفین اختلاف

میانجی می‌تواند با هر یک از طرفین اختلاف همزمان یا به شکل جداگانه ملاقات کند یا در ارتباط باشد.

در داوری، داور حق ملاقات محرمانه با طرفین دعوا را ندارد؛ زیرا داور تعیین‌کننده مستقیم نتیجه دعوا محسوب می‌شود و برگزاری جلسات خصوصی می‌تواند وصف بی‌طرفی وی را زیر سؤال ببرد. همچنین در داوری و دادرسی، رعایت اصل تناظر ضرورت دارد و در زمان طرح استدلال و ادعاهای یک طرف نزد داور یا دادرس، باید همزمان پاسخ طرف مقابل نیز مطرح شود. در مقابل در میانجی‌گری، به دلیل تعیین نتیجه دعوا توسط طرفین دعوا و عدم تأثیر مستقیم نظر میانجی، وی می‌تواند جلسه‌های خصوصی را با طرفین دعوا برگزار کند.

ماده ۷: محرمانگی

۱. زمانی که میانجی اطلاعاتی در ارتباط با اختلاف از یکی از طرفین دعوا دریافت می‌کند، می‌تواند مفاد اطلاعات را به هریک از طرف‌های دیگر اختلاف افشا سازد، اما وقتی یک طرف، اطلاعاتی را مشروط به حفظ رازداری به میانجی می‌دهد، این اطلاعات به هیچ طرف دیگری نباید افشا شود.

۲. به استثنای مواردی که طرفین به نحو دیگری توافق

نموده باشند، تمامی اطلاعات مربوط به فرایند سازش باید محرمانه باقی بماند، مگر اینکه افشای اطلاعات، بر اساس قانون یا جهت اجرای سازش‌نامه، الزامی باشد.

تفاوت بند ۱ و ۲ ماده ۷ در این است که در بند ۱، تعهد میانجی به عدم افشای اطلاعات محرمانه به طرف دیگر پرونده مطرح شده است، اما در بند ۲، تعهد میانجی و طرفین دعوا به عدم افشای اطلاعات محرمانه به اشخاص ثالث مدنظر است.

اصل کلی حاکم بر طرق جایگزین حل اختلاف از جمله میانجی‌گری، محرمانه بودن رسیدگی‌ها است. (درویشی هویدا، ۱۳۹۲: ۳۹) حفظ محرمانگی در میانجی‌گری یا سازش از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ زیرا اگر طرفین دعوا از حفظ اطلاعات محرمانه، اطمینان خاطر داشته باشند، همه اطلاعات و طرق مختلف حصول سازش و حل اختلاف با استقبال طرفین دعوا و به صورت صریح مطرح می‌شود و میانجی نیز با در نظر گرفتن تمامی اطلاعات، می‌تواند پیشنهادهای و راه‌حل‌های مناسبی را به طرفین دعوا ارائه دهد، اما در صورت فقدان چنین اطمینانی، احتمال حصول سازش بسیار کاسته می‌شود. (Hadikusumo and Chua, 2015: 4; Claxton, 2019: 4; Rovine, 2010: 432; 16) شایان ذکر است که دادگاه اجراکننده سازش‌نامه نیز نباید باعث نقض محرمانگی فرایند میانجی‌گری شود و تنها در صورت ضرورت، وارد مفاد و جزئیات سازش‌نامه شود و تنها احراز تنظیم سازش‌نامه توسط طرفین کفایت می‌کند. (Chua, 2019 (A): 18; Schnabel, 2019 (B): 20)

باید توجه داشت که ضرورت حمایت اجرایی از سازش‌نامه فراتر از ضرورت رعایت محرمانگی فرایند میانجی‌گری است. بنابراین، اگر افشای اطلاعاتی جهت اجرای سازش‌نامه ضروری بود، اصل محرمانگی نمی‌تواند مانع ارائه اطلاعات مزبور شود.

شایان ذکر است که در مواد ۲۰ و ۲۲ آیین‌نامه میانجی‌گری در امور کیفری مصوب ۱۳۹۴ در خصوص لزوم رعایت محرمانگی در سازش قواعدی ذکر شده است، اما پر واضح است که نفوذ و اعتبار آیین‌نامه، قابل مقایسه با قانون نخواهد بود.

ماده ۸: پذیرش اسناد در سایر رسیدگی‌ها

۱. طرفین سازش، میانجی و یا اشخاص ثالثی که به نحو دیگری فرایند سازش شده‌اند، حق ندارند در داوری، دادرسی و یا هر رسیدگی دیگر به موارد زیر استناد کنند و یا آنها را به عنوان دلیل ارائه نمایند و یا به مفاد آنها شهادت دهند و یا برای

فرایند سازش یا میانجی‌گری، به ارائه اطلاعات و طرح نقطه نظرات خود بپردازند؛ زیرا در صورت عدم حصول سازش، میانجی و طرف مقابل نمی‌توانند به اطلاعات و اظهارات مذکور استناد نمایند. بنابراین، بر خلاف اظهارات اشخاص در طرق توافقی حل اختلاف، هر آنچه که شخص در فرایند سازش یا میانجی‌گری بیان می‌دارد، نمی‌تواند علیه وی استفاده شود.

ماده ۹: ختم سازش

فرایند سازش در موارد زیر خاتمه می‌یابد:
الف) با انعقاد سازش‌نامه توسط طرفین اختلاف، از تاریخ سازش‌نامه؛

ب) بعد از اعلام میانجی، با مشورت با طرفین اختلاف، مبنی بر اینکه تلاش‌های بیشتر برای سازش قابل توجیه نیست، از تاریخ اعلام؛

ج) با اعلام طرفین خطاب به میانجی مبنی بر اینکه سازش خاتمه یافته است، از تاریخ اعلام؛

د) با اعلام یکی از طرفین به طرف/طرف‌های دیگر و میانجی مبنی بر اینکه سازش خاتمه یافته است، از تاریخ اعلام. بهترین حالت ختم سازش، حصول توافق میان طرفین جهت حل اختلاف و پایان دادن به دعوا است، اما در برخی موارد، به دلیل عدم حصول توافق میان طرفین دعوا، عدم تمایل یکی از طرفین دعوا به ادامه فرایند سازش و تشخیص میانجی مبنی بر غیرممکن بودن حصول سازش، چنین امری میسر نیست. در مورد اخیرالذکر، ضروری است که ختم سازش اعلام شود؛ زیرا همان‌طور که بیان شد در برخی موارد در شرط حل اختلاف قراردادی، توسل به سازش یا میانجی‌گری به عنوان یک تعهد برای طرفین لحاظ شده است و در صورت عدم اعلام ختم سازش، ممکن است اقامه دعوی یکی از طرفین دعوا نزد مراجع دیگر به دلیل عدم رعایت شرط مذکور، محکوم به رد تلقی شود.

ماده ۱۰: میانجی به عنوان داور

میانجی در ارتباط با دعوی که قبلاً یا فعلاً موضوع سازش بوده یا هست یا در ارتباط با دعوی دیگری که از همین قرارداد یا رابطه حقوقی یا از قرارداد یا رابطه حقوقی مرتبط ناشی شده باشد، نمی‌تواند به عنوان داور عمل کند، مگر اینکه طرفین، به نحو دیگری توافق نمایند.

ویژگی‌های طرق حل اختلاف میانجی‌گری و داوری اقتضا می‌کند که شخص واحد نتواند در دعوی که میانجی‌گری آن را

صحت آنها دلیل ارائه کنند:

الف) دعوت یکی از طرفین اختلاف از دیگری جهت رجوع به سازش و یا این واقعیت که یکی از طرفین اختلاف تمایل به شرکت در فرایند سازش داشته است؛

ب) دیدگاه‌های بیان شده توسط یک طرف اختلاف در سازش، جهت حل و فصل احتمالی اختلاف؛

ج) اظهارات یا اقراربری که توسط یکی از طرفین اختلاف در جریان فرایند سازش صورت گرفته است؛

د) پیشنهادهایی که توسط میانجی ارائه شده است؛
هـ) این واقعیت که یکی از طرفین اختلاف، تمایل خود را در پذیرش پیشنهاد میانجی جهت رسیدن به راه حل در سازش بیان داشته است؛

و) مدارکی که منحصراً جهت فرایند سازش تدارک دیده شده است.

۲. در اجرای بند ۱ این ماده، تفاوتی بین انواع اطلاعات و اسناد در اشکال مختلف وجود ندارد و در هر صورت، مفاد بند مزبور لازم‌الاتباع است.

۳. هیچ دادگاه، دیوان داوری یا مقام ذی‌صلاح دولتی نباید به افشای اطلاعات بند ۱ این ماده حکم دهد و اگر اطلاعاتی بر خلاف بند ۱ این ماده ارائه شود، اطلاعات مزبور باید غیر قابل پذیرش تلقی شود. با وجود این، در مواردی که مطابق قانون یا جهت اجرای سازش‌نامه، افشا یا پذیرش برخی اطلاعات، ضروری باشد، اطلاعات مزبور، می‌تواند افشا یا به عنوان سند ارائه شود.

۴. مقررات بندهای ۱، ۲ و ۳ این ماده در هر صورت اعمال خواهد شد، خواه فرایند داوری، دادرسی یا هر فرایند حل اختلاف مشابه دیگر، با موضوع سازش مرتبط باشد یا خیر.

۵. با رعایت محدودیت‌های بند ۱ این ماده، مدارکی که در صورت عدم شکل‌گیری فرایند سازش، در فرایند دادرسی، داوری یا هر فرایند مشابهی مورد پذیرش بوده است، به علت استفاده از آنها در فرایند سازش، غیر قابل پذیرش نمی‌شود.

با توجه به ذات توافقی سازش و اهمیت آزادی اراده طرفین، اگر طرفین دعوا همیشه با این خطر روبه‌رو باشند که اظهارات و مستندات ارائه شده توسط ایشان، ممکن است در صورت عدم حصول سازش، در دعوی دیگر علیه آنها استناد شود، هیچ‌گاه حاضر به استفاده از این روش حل اختلاف نخواهند شد و یا با عدم ارائه اطلاعات کافی به میانجی یا طرف مقابل، عملاً امکان حصول سازش را از بین می‌برند. لذا در این ماده، این امنیت به طرفین دعوا داده شده است که با آسودگی خاطر در

دسترسی طرف مقابل نماید، در این صورت طرف مقابل می‌تواند با رهاکردن فرایند سازش و ارجاع دعوا به داوری یا دادرسی، نسبت به حفظ حقوق خود اقدام کند.

ماده ۱۲: استناد به سازش‌نامه

۱. طرفی که بر اساس مقررات این قانون، به سازش‌نامه استناد می‌کند، باید سازش‌نامه کتبی را که توسط طرفین اختلاف به امضا رسیده است، به مرجع صالح تقدیم نماید.

۲. در فرض ارتباطات الکترونیکی، شرط امضای سازش‌نامه توسط طرفین اختلاف و در صورت نیاز، توسط میانجی، در صورت تحقق شرایط ذیل، محقق شده محسوب می‌شود:

الف) روشی برای تشخیص هویت طرفین یا میانجی و نیز برای احراز اراده طرفین نسبت به اطلاعات مندرج در ارتباط الکترونیکی مذکور وجود داشته باشد؛

ب) روش فوق‌الذکر، در پرتو اوضاع و احوال موضوع از جمله هرگونه توافق مرتبط، جهت احراز برقراری ارتباط الکترونیکی، به اندازه کافی قابل اعتماد و استناد باشد.

۳. نیازی به ثبت سازش‌نامه در دفاتر اسناد رسمی وجود ندارد و چنانچه سازش‌نامه به هر شکلی ثبت شده باشد، به عنوان سازش‌نامه کتبی تلقی می‌شود. در وضعیت ارتباطات الکترونیکی، چنانچه اطلاعات مربوطه به نحوی قابل دسترسی باشد که برای ارجاع بعدی قابلیت استفاده داشته باشد، شرط کتبی بودن سازش‌نامه، تحقق یافته تلقی می‌گردد.

۴. اگر سازش‌نامه به زبان فارسی نباشد، مرجع صلاحیت‌دار می‌تواند متقاضی را به ارائه ترجمه فارسی رسمی (مورد تأیید دارالترجمه‌های رسمی) الزام نماید.

۵. در مقام رسیدگی به درخواست اجرای سازش‌نامه، مرجع صلاحیت‌دار باید به سرعت اقدام کند.

در ماده ۱۲ در خصوص استناد به سازش‌نامه، تنها ارائه سازش‌نامه امضاشده توسط طرفین دعوا و کتبی بودن آن مکفی دانسته شده است و با توجه به اینکه این قانون بر سازش‌نامه‌های تنظیمی بدون دخالت میانجی نیز اعمال می‌شود، نیازی به امضای میانجی روی سازش‌نامه یا ارائه مدرک مبنی بر طی شدن فرایند میانجی‌گری وجود ندارد. همچنین با توجه به توسعه حل و فصل اختلافات برخط در سال‌های اخیر، در مورد سازش‌نامه‌هایی که به صورت برخط منعقد می‌شوند، در صورت امکان احراز اراده طرفین و ارجاع به سازش‌نامه از هر طریقی، سازش‌نامه برخط مذکور مشمول این قانون شده و از مزایای آن به ویژه ماده ۲ بهره‌مند خواهد شد. با توجه به مفاد ماده ۴۷

به عهده داشته، داوری نیز بکند. در میانجی‌گری با توجه به توافقی بودن طریقه حل اختلاف مذکور، طرفین دعوا طیف وسیعی از اطلاعات و مستندات را به میانجی ارائه می‌کنند و حتی در مواردی ممکن است نقاط ضعف استدلال خود یا حقوق طرف مقابل را نیز در مذاکرات خود به میانجی ارائه نمایند؛ زیرا میانجی تصمیم‌گیرنده دعوا نیست و در واقع به عنوان یک مشاور امین، این اطلاعات به وی ارائه می‌شود تا راه‌حلی جهت حل اختلاف توسط وی ارائه شود. در مقابل در داوری به عنوان یک روش ترافی، طرفین دعوا فقط بر ادعاهای خود تأکید می‌کنند و هیچگاه نقاط ضعف استدلال‌های خود را بیان نمی‌کنند. لذا با توجه به مراتب فوق، میانجی نمی‌تواند در همان دعوا به عنوان داور منصوب شود؛ زیرا در داوری وی باید در خصوص دعوا تصمیم‌گیری کند و ممکن است اطلاعات ارائه‌شده توسط طرفین دعوا در مقام مذاکره با میانجی، در نظر و رأی داور یا میانجی سابق تأثیرگذار باشد.

ماده ۱۱: توسل به داوری یا دادرسی

زمانی که طرفین بر سازش توافق می‌کنند و صراحتاً متعهد می‌شوند که در جریان یک دوره زمانی مشخص و یا تا تحقق شرایطی خاص، فرایند داوری یا دادرسی را در ارتباط با اختلاف فعلی یا آینده شروع نخواهند کرد، چنین تعهدی تا تحقق شرایط مربوطه، باید از طرف مرجع داوری یا دادگاه، مؤثر تلقی شود، مگر تا حدودی که جهت حفظ حقوق یکی از طرفین دعوا ضرورت داشته باشد و در فرض اخیر، به جریان انداختن اینگونه دعاوی، فی‌نفسه، به معنای نقض توافق‌نامه سازش یا ختم روند سازش نخواهد بود.

علاوه بر اینکه انعقاد سازش‌نامه منجر به عدم امکان استفاده از سایر طرق حل اختلاف در همان موضوع توسط طرفین دعوا می‌شود، شروع فرایند سازش یا میانجی‌گری (قبل از انعقاد سازش‌نامه) نیز باعث می‌شود که طرفین دعوا تا پایان این فرایند نتوانند به سایر طرق حل اختلاف مراجعه کنند. بنابراین، نمی‌توان تمسک به داوری یا دادرسی را به معنای عدم تمایل طرف دعوا به ادامه میانجی‌گری دانست و این اقدام را به مثابه ختم ضمنی فرایند سازش تلقی نمود. البته اگر هر کدام از طرفین دعوی از این طریق به دنبال سوء استفاده از این حکم قانونی باشند، امکان اقامه دعوا از طریق داوری یا دادرسی به‌رغم محتومه نشدن فرایند میانجی‌گری امکان‌پذیر است. به عنوان مثال ممکن است یکی از طرفین دعوا در حین مذاکرات میانجی‌گری، شروع به انتقال اموال خود و خارج کردن آنها از

همیشه با توجه به ضرورت برقراری نظم در جامعه، اصل آزادی اراده و آزادی قراردادهای موضوع استثنائات متعددی است و افراد نمی‌توانند همیشه به صورت آزادانه در مورد موضوعات مختلفی تصمیم‌گیری نمایند. به همین دلیل در بسیاری از موضوعات از سازش‌نامه تنظیمی توسط طرفین حمایت اجرایی نمی‌شود. بر خلاف موضع برخی مقررات و با توجه به لزوم حمایت حداکثری از سازش‌نامه‌های تنظیمی و ایجاد وحدت رویه، به‌رغم اینکه سازش‌نامه‌های تنظیمی نزد دادگاه، داور یا سردفتر اسناد رسمی، دارای قواعد خاصی هستند، سازش‌نامه‌های مذکور از محدوده این قانون مستثنی نشدند؛ زیرا ایرادی ندارد که طرفین دعوا امکان اجرای سازش‌نامه را از چند طریق داشته باشند، همانند چک که از چند طریق (دادگاه‌های کیفری، دادگاه‌های حقوقی و اجرای ثبت) قابلیت اجرا دارد.

وفق پاراگراف ب از بند ۱ ماده ۱۳، سازش‌نامه مثل هر قرارداد دیگری می‌تواند باطل باشد، لذا در صورتی که سازش‌نامه نامعتبر باشد، امکان اجرای چنین سازش‌نامه‌ای وجود ندارد.

همان‌طور که در بند ۵ ماده ۱ این قانون عنوان شد، فرض اولیه این قانون آن است که سازش‌نامه امضاشده لازم‌الاجرا است، مگر اینکه طرفین بر خلاف این فرض توافق کنند و در این صورت سازش‌نامه لازم‌الاجرا نمی‌باشد و امکان اجرای اجباری آن منتفی می‌گردد. همچنین طرفین می‌توانند مقرر کنند که سازش‌نامه نهایی نیست. به عنوان مثال، ممکن است سازش‌نامه صرفاً دلالت بر این داشته باشد که طرفین به این نتیجه رسیده‌اند که فعلاً از طرح دعوا اجتناب نمایند و به مذاکرات خود ادامه دهند. توافق اخیرالذکر، نوعی سازش‌نامه محسوب می‌شود، اما با توجه به عدم تصمیم‌گیری متقن در خصوص اختلاف پیش آمده، در عین حال جنبه نهایی ندارد و مشخصاً اقدامات اجرایی ایجابی با استناد به آن، سالبه به انتفاء موضوع تلقی می‌شود.

در برخی موارد علت عدم امکان اجرای سازش‌نامه، اوصاف و رفتار میانجی است. وفق پاراگراف هـ از بند ۱ ماده ۱۳، اگر میانجی از افشای اوضاع و احوالی که استقلال و بی‌طرفی وی را زیر سؤال می‌برد، خودداری نماید؛ در این صورت سازش‌نامه قابلیت اجرایی خود را از دست می‌دهد. در مورد میزان تأثیر استقلال و بی‌طرفی میانجی در سازش‌نامه تنظیمی، با توجه به انعقاد آن توسط طرفین دعوا ابهاماتی وجود دارد و شاید ابتدا به نظر برسد، این معیار سخت‌گیرانه مناسب میانجی‌گری یا سازش نیست، اما باید توجه داشت که به هر

قانون ثبت اسناد و املاک که اشعار می‌دارد که ثبت صلح‌نامه اجباری است، جهت رفع هرگونه ابهام در بند ۲ ماده ۱۲ صراحتاً عنوان شد که نیازی به ثبت سازش‌نامه وجود ندارد و سازش‌نامه عادی نیز مشمول حمایت‌های این قانون می‌گردد. همچنین باید توجه داشت که مقام اجراکننده سازش‌نامه نیازی به بررسی ماهوی سازش‌نامه نداشته و می‌تواند بدون برگزاری جلسه رسیدگی، به سرعت اجرائیه را وفق مفاد سازش‌نامه صادر نماید.

ماده ۱۳: جهات رد درخواست اجرای سازش‌نامه

۱. مرجع صالح می‌تواند به درخواست طرفی که اجرائیه علیه وی درخواست شده است، به دلایل زیر از اجرای سازش‌نامه امتناع ورزد مشروط بر آنکه طرف مزبور برای مرجع صلاحیت‌دار، یکی از جهات زیر را اثبات نماید:

الف) یکی از طرف‌های سازش‌نامه فاقد اهلیت بوده است.
ب) سازش‌نامه‌ای که درخواست اجرای آن شده است، نامعتبر یا غیر قابل اجرا است و یا اینکه مطابق مفاد خود سازش‌نامه، الزام‌آور یا نهایی نیست و یا متعاقباً اصلاح شده است.
ج) تعهدات مندرج در سازش‌نامه، سابقاً اجرا شده یا مبهم است.

د) صدور دستور اجرای سازش‌نامه، مخالف مفاد سازش‌نامه باشد.

هـ) میانجی از افشای اوضاع و احوالی که موجب تردیدهای موجهی نسبت به بی‌طرفی و استقلال وی می‌شود، خودداری کرده و اقدام مزبور تأثیر اساسی یا ناروا بر یکی از طرفین داشته به نحوی که در صورت افشای اوضاع و احوال مزبور، طرف مورد نظر، اقدام به انعقاد سازش‌نامه نمی‌کرد. چنانچه قبل از حصول سازش، فقدان وصف بی‌طرفی و استقلال میانجی کشف شود، هر یک از طرفین می‌تواند از ادامه فرایند، اجتناب نماید و در صورت کشف فقدان اوصاف مزبور پس از حصول سازش، بسته به میزان مداخله شخصیت میانجی در نتیجه نهایی سازش، طرف زیان دیده، ممکن است قادر باشد که حسب مورد، اعلام بطلان یا انحلال سازش‌نامه را از مراجع ذیصلاح درخواست نماید.

۲. مرجع صالح می‌تواند رأساً از صدور دستور اجرا امتناع ورزد اگر یکی از موارد ذیل را احراز نماید:

الف) صدور دستور اجرا مخالف نظم عمومی یا اخلاق حسنه است.

ب) بر اساس قانون، موضوع اختلاف، قابلیت حل و فصل از طریق سازش ندارد.

مقنن ایرانی با تصویب قانون پیشنهادی مطرح در پژوهش حاضر، گام بزرگی را در جهت توسعه این روش حل اختلاف و ترقی نظام کلی حل و فصل اختلافات تجاری بردارد.

منابع

ابراهیمی، سیدنصرالله؛ ابوترابی زارچی، محمدحسن (۱۳۹۹). «نقش قوه قضاییه در حل و فصل اختلافات تجاری به روش‌های الکترونیکی غیرقضایی». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۵، شماره ۹۱.

جنیدی، لعیا (۱۳۹۲). اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی. چاپ سوم. تهران: انتشارات شهر دانش.

حیبی منجده، محمد (۱۳۹۱). داوری تجاری بین‌المللی تطبیقی. تهران: انتشارات گلوردی.

درویشی هویدا، یوسف (۱۳۹۲). «اصل محرمانه بودن در شیوه‌های جایگزین حل اختلاف». فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۶۲، صص ۳۹-۶۲.

شیروی، عبدالحسین (۱۳۸۵). «بررسی قانون نمونه آنسیترال در خصوص سازش تجاری بین‌المللی». اندیشه‌های حقوقی، سال چهارم، شماره دهم، صص ۷۶-۴۵.

معبودی، رضا؛ رضائی، سیدعلیرضا (۱۳۹۹ الف). «قلمرو سازش‌نامه‌های مشمول کنوانسیون سازش ۲۰۱۹ با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران». فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۵۰، شماره ۴، صص ۷۸۳-۸۰۱.

_____ (۱۳۹۹ ب). «رویکرد کنوانسیون سازش ۲۰۱۹

و نظام حقوقی ایران در مورد چالش‌های سازش‌نامه‌های حاصل از میانجی‌گری تجاری بین‌المللی». پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۲، صص ۱۱۳-۱۳۸.

همتی کلوانی، احمد (۱۳۸۸). رویه قضایی در شناسایی و اجرای آرای داوری بین‌المللی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی.

Apter, I.; Muchnik, C. (2019). "Reservations in the singapore convention helping to make the new york dream come true". *Cardozo Journal of Conflict Resolution*, 20(4), pp. 1267-1282.

Boulet, Jean-Christophe (2019). "The Singapore Convention and the Metamorphosis of Contractual Litigation". *Cardozo Journal of Conflict Resolution*, Vol.20, No. 4, pp.1209-1234.

حال میانجی در تعیین سرنوشت دعوا با ارائه مشاوره و اطلاعاتی که به طرفین دعوا می‌دهد، مؤثر است. لذا این شرط باید درج شود، اما با توجه به تعیین سرنوشت دعوا توسط خود طرفین دعوا اصل بر این است که استقلال یا بی طرفی میانجی تأثیری بر سرنوشت دعوا ندارد و باید اثبات شود که عدم اعلام وضعیت‌های مذکور، تأثیر اساسی یا ناروا بر یکی از طرفین داشته به نحوی که در صورت افشای اوضاع و احوال مزبور، طرف مورد نظر اقدام به انعقاد سازش‌نامه نمی‌کرد.

ماده ۱۴: درخواست‌ها و دعاوی موازی

چنانچه درخواست یا دعوی در خصوص یک سازش‌نامه به دادگاه، مرجع داوری یا هر مرجع صالح دیگری تقدیم شده باشد که بتواند بر اجرای سازش‌نامه وفق ماده ۲ تأثیر بگذارد، مرجع صالح می‌تواند در صورت صلاحدید، رسیدگی به درخواست مزبور را متوقف نموده و نیز می‌تواند به درخواست یکی از طرف‌ها، طرف مقابل را ملزم به ارائه تامین مناسب نماید.

در صورت ارتباط مستقیم موضوع سازش‌نامه با موضوع دعوی مطروحه نزد مراجع حل اختلاف دیگر، طرح دعوی ابطال سازش‌نامه و اینگونه موارد، دادگاه اجراکننده سازش‌نامه می‌تواند یا کلاً اجرای سازش‌نامه را متوقف نماید یا طرف درخواست کننده اجرا را مکلف به ارائه تامین مناسب کند. اگر سازش‌نامه در هر حالتی قابلیت اجرا را داشته باشد، در فروض اخیر سازش‌نامه اجرا می‌شود و بازگشت به وضعیت قبل از اجرای سازش‌نامه، غیرممکن یا با دشواری فراوان میسر خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

نمی‌توان انکار کرد که میانجی‌گری یا سازش، به عنوان یکی از اصلی‌ترین طرق حل و فصل اختلافات دارای مزایای متعددی برای طرفین دعوا و نظام حل و فصل اختلافات کشور است. رویه بین‌المللی کشورها و همچنین نظام حقوقی ایران، بیانگر درک ضرورت توسعه این روش حل اختلافات می‌باشد. توسعه این روش حل اختلاف و بهره‌مندی از این طریق حل اختلاف در گرو تصویب قانونی دارای وصف حمایتی و واجد قواعدی جامع است. در این پژوهش قانون الگوی میانجی‌گری به مراجع تصمیم‌گیری ایران پیشنهاد شده است که در قانون مذکور علاوه بر درج قواعدی جامع در خصوص نحوه طی شدن فرایند میانجی‌گری، ضعف اصلی این روش حل اختلاف یعنی فقدان حمایت اجرایی از سازش‌نامه و عدم اعمال قاعده اعتبار امر مختوم نسبت به سند مذکور، مرتفع شده است. امید است که

- Broches, Aron (1984). "Avoidance and Settlement of International Investment Disputes". *American Society of International Law*, Vol. 78, No. 38, pp. 38-58.
- Chong, Shou; Steffek, Felix (2019). "Enforcement of international settlement agreements resulting from mediation under the Singapore convention Private international law issues in perspective". *Singapore Academy of Law Journal*, No 31, pp. 448-486.
- Christina G. Hioureas (2019). "The Singapore Convention on International Settlement Agreements Resulting from Mediation: A New Way Forward". *Ecology Law Quarterly*, Vol. 46, No. 1, pp. 61-70.
- Chua, Eunice (2019 A). "Enforcement of International Mediated Settlements without The Singapore Convention On Mediation". *Singapore Academy of Law Journal*, No. 31, pp. 572-597.
- _____ (2019 B). "The Singapore convention on mediation – A brighter future for Asian dispute resolution" *Asian Journal of International Law*, Vol. 9, Issue 2, pp. 195-205.
- _____ (2015). "The future of international mediated settlement agreements: Of conventions, challenges and choices". *A Chinese-English Journal on Negotiation Research Collection School of Law*.
- Claxton, James M. (2019). *The Singapore Convention: Mediation in a New York State of Mind*. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3416116>, Last Accessed at: 2021.02.10.
- Constain, Silvia (2014). "Mediation in Investor–State Dispute Settlement: Government Policy and the Changing Landscape". *ICSID Review - Foreign Investment Law Journal*, Vol. 29, Issue 1, pp. 25-40.
- Deason, Ellen E. (2005). "Procedural Rules for Complimentary Systems of Litigation and Mediation-Worldwide". *Notre Dame Law Review*, Vol. 80, No. 553, pp. 1-46.
- Freehills, Herbert Smith (2018). *PwC and the International Mediation Institute, Global Pound Conference Series: Global Data Trends and Regional Difference*. Available at: <https://www.globalpound.org>, Last Accessed at: 2021.02.10.
- Hadikusumo, Josephine; Chua, Eunice (2015). *Recent developments In international mediation: Singapore's unique approach, Taipei International Conference on Arbitration and Mediation*. Research Collection School of Law.
- Hal, Abramson (2019). *New Singapore Convention on Cross-Border Mediated Settlements, Catharine Titi; Katia Fach-Gomez, Mediation in International Commercial and Investment Disputes*. London: Oxford University Press, First Edition.
- Herisi, Ahdieh Alipour; Wendy, Trachte-Huber (2019). "Aftermath of the Singapore Convention: A Comparative Analysis between the Singapore Convention and the New York Convention". *American Journal of Mediation*, No. 12, p 154-173.
- Lo, Chang-fa (2014). "Desirability of a New International Legal Framework for Cross-Border Enforcement of Certain Mediated Settlement Agreements". *Contemporary Asia Arbitration Journal*, Vol. 7, No. 1, pp. 120-138.
- Morris-Sharma, Natalie (2019). "Constructing The Convention On Mediation The Chairperson's Perspective". *Singapore Academy of Law Journal*, No 31, pp.487-519.
- Nigmatullina, Dilyara (2019). *Combining Mediation and Arbitration in International Commercial Dispute Resolution*. First Published. New York: Routledge.
- Peter, D'Ambrumenil (1997). *Mediation And Arbitration*. Great Britain: Cavendish Publishing Limited.

- Quek Anderson, Dorcas (2019). *Supporting party autonomy in the enforcement of cross-border mediated settlement agreements: A brave new world or uncharted territory?*, Research Collection School Of Law Privatizing dispute resolution: Trends and limits, No. 41, Available at: https://ink.library.smu.edu.sg/sol_research/2909, Last Accessed at: 2021.02.10.
- Redfern Alan; Hunter, Martin (2009). *The Law and Practice of International Commercial Arbitration*. London: Oxford University Press.
- Reif Linda C. (1990). "Conciliation As a Mechanism for the Resolution of International Economic and Business Disputes". *Fordham International Law Journal*, Vol.14, pp. 578-638.
- Rosner, Norel (2019). "The Singapore Convention: Reflections on Articles 1.3 on Scope, 8.1(b) on Reservations, and 12 on Regional Economic Integration Organizations". *Cardozo Journal of Conflict Resolution*, vol. 20, no. 4, pp.1259-1266.
- Rovine, Arthur W. (2010). *Contemporary Issues in International Arbitration and Mediation*. Netherlands: Martinus Nijhoff Publisher.
- Schnabel, Timothy (2019A). "The Singapore convention on mediation: framework for the cross-border recognition and enforcement of mediated settlements". *Pepperdine Dispute Resolution Law Journal*, Vol.19, pp. 1-60.
- Schnabel, Timothy (2019B). "Recognition by Any Other Name: Article 3 of the Singapore Convention on Mediation". *Cardozo Journal of Conflict Resolution*, Vol. 20, No. 4, pp. 1181-1196.
- Serbenco, Eduward (2012). "Bargaining in the Shadow of Arbitration: When Mediation Settlements become Enforceable Arbitral Awards". *Romanian Journal of International Law*, Vol. 14, pp. 68-105.
- Sim, Christine (2019). "Conciliation of investor-state disputes, Arb-con-arb, and The Singapore Convention". *Singapore Academy of Law Journal*, Vol. 31, pp. 670-712.
- Stipanowich, Thomas; Fraser, Véronique (2017). "The International Task Force on Mixed Mode Dispute Resolution: Exploring the Interplay Between Mediation, Evaluation and Arbitration In Commercial Cases". *Fordham International law journal*, No. 40.
- Stitt, Allan J. (2004). *Mediation: A Practical Guide*. First published. Great Britain" Cavendish Publishing Limited.
- Strong, S.I. (2014). "Use and Perception of International Commercial Mediation and Conciliation A Preliminary Report on Issues Relating to the Proposed UNCITRAL Convention". *University of Missouri School of Law Legal Studies Research Paper*, No. 28, pp. 1-53.
- Sun, Wei (2019). *Harmonization of China's Legal System with the Convention: Suggestions for the Implementation of the Convention in China* (Part 1). Accessed on 2019/10/18, Available at: <http://mediationblog.kluwerarbitration>.
- Sussman Edna (2018). "The Singapore Convention Promoting the Enforcement and Recognition of International Mediated Settlement Agreements". *Icc Dispute Resolution Bulletin*, Issue 3, pp. 42-54.
- Vanišová, Veronika (2019). *Current Issues in International Commercial Mediation: Short Note on the Nature of Agreement Resulting from Mediation in the light of the Singapore Convention*. Charles University In Prague Faculty of Law, Prague Law Working Paper Series, Available at: <https://ssrn.com/abstract=3413560>, Last Accessed at: 2021.02.10.
- Zeller, Bruno; Trakman, Leon (2019). "Mediation and arbitration: the process of enforcement". *University of New South Wales Law Research Series Uniform Law Review*, No 1, pp. 1-18.